

## بررسی رابطه ساختار و معنا در نقاشی‌های علی‌اکبر صادقی

### چکیده

این پژوهش، به اهمیت تزلزل تولید معنای قطعی، رسیدن به معانی جدید و ساختارگریزی متن از دیدگاه متفکران پساساختارگرا چون دریدا و بارت پرداخته و همچنین به به مفاهیم مهمی چون وارونگی تقابل‌های دوگانه، واسازی و بینامتنیت، تکثر دلالت‌ها، مرکزیت‌زدایی، مؤلف‌زدایی، آرایه، چندمعنایی، غیاب مدلول، توجه داشته است. روش انجام تحقیق بر مبنای ماهیت توصیفی-تحلیلی بوده است و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت ترکیبی (کتابخانه‌ای و میدانی) و تعداد نمونه ۶ تصویر بود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز کیفی است. همچنین این پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهد که رابطه ساختار و معنا در مجموعه آثار نقاشی هنرمندان معاصر پس از بر چیست؟ در این مقاله نگارنده پس از اشاره به مفاهیم نشانه‌شناسی ساختارگرا و پساساختارگرایانه از این مباحث در راستای خوانش آثار موردنظر پرداخته است و سعی شده تا به تحلیل در راستای سؤالات پژوهش بپردازد. نتایج به دست آمده از بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد که تمامی نظام منسجم و ساختارمند اثر دچار تعلیق و ویرانی است. بازی بی‌پایان دال‌ها به نحوی انسجام‌گریز، خوانشی نهایی از متن را ناممکن می‌کند.

### هدف پژوهش:

۱. بررسی رابطه ساختار و معنا در هنرهای معاصر.

۲. بررسی مفاهیم نشانه‌شناسی ساختارگرا و پساساختارگرایانه.

### سؤالات پژوهش:

۱. بررسی رابطه ساختار و معنا در هنرهای معاصر چگونه می‌باشد؟

۲. تحلیل مفاهیم نشانه‌شناسی ساختارگرا و پساساختارگرایانه چگونه می‌باشد؟

**کلیدواژه‌ها:** نشانه‌شناسی، پساساختارگرایی، واسازی، ساختار و معنا.

## مقدمه

نقاشی در دوران معاصر ایران، یک رسانه‌ی توانمند اجتماعی است که با تغییرات فرهنگ، اجتماعی و سیاسی در جامعه بیانی متفاوت می‌یابد؛ و نه فقط به‌عنوان شاخه‌ای از هنرهای تجسمی و یک رسانه هنری بلکه به یک رسانه قدرتمند اجتماعی که شکل گسترده‌ای در گفتمان‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، انتقادی جامعه ایرانی، تبدیل شده است (تاری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۰). آثار علی‌اکبر صادقی در آثار خود اغلب فضاهای مضامین اساطیری، حماسی و یا قصه‌های دینی را به تصویر کشیده است. در نقاشی‌های صادقی آموزه‌های دینی مانند تقابل خوبی و بدی، نیکی و پلیدی، نور و تاریکی، همچنین جلوه‌هایی از نگارگری، نقاشی‌های سبک قاجار و نقاشی قهوه‌خانه‌ای مشاهده می‌گردد؛ او به‌گونه‌ای تکنیک‌های نقاشی ایرانی را با نقاشی غربی تلفیق کرده است؛ به‌طوری‌که نه یک شیوه تولید تصویر و نه یک شیوه ثبت رویداد، بلکه یک شیوه تولید معنا است (جامعی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۹). بنابراین بررسی رابطه ساختار و معنا در آثار وی می‌تواند نکات مفیدی را در این راستا آشکار سازد.

نشانه-معناشناختی حوزه مطالعاتی جدیدی است، در زمینه تبیین کارکرد لایه‌های زیرین نشانه‌ها و دست‌یافتن به روابط متقابل نشانه‌ها و دستاورد آن چگونگی ظهور معناست. رویکرد نشانه-معناشناسی نتیجه تحول نظام ساختارگرا به پساساختارگرایی است. با ارائه مقاله «ساختار، نشانه، بازی در گفتمان علوم انسانی» در سال ۱۹۶۶ در دانشگاه «جانز هاپکینز» ساختمان‌بودن ساختار و مرکز هر ساختار یا دستگاهی را زیر سؤال برد. از آن به بعد اصطلاح «پساساخت‌گرایی» به مفهوم ایجاد سؤال و پرسش در مورد ساختارهای قطعی و ثابت رایج شد. آغاز تفکر در مورد به چالش کشیدن ساختار ثابت برای پدیده‌ها از ادبیات و علوم انسانی شروع شد و به تدریج به عرصه هنرهای دیگر با تلاش و هوشمندی منتقدان دیگر وارد گردید (رایگانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۸). برخی منتقدان با استفاده از نشانه‌های یک متن هنری، مفاهیم دریدا را به‌مثابه چارچوب روشی به‌کار بستند. واژگونی تقابل‌های دوگانه و فرآیند بی‌پایان دلالت، واسازی و مرکززدایی از مهم‌ترین مباحث دریدا است. باید متذکر شویم که اساسی‌ترین دستاورد این روش، عدم قطعیت معنی و طرح پرسش درباره ساختمان‌بودن ساختار است (بشر و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۸). در مقاله حاضر، برخی مفاهیم دریدا و بارت را به‌مثابه چارچوبی برای تجزیه و تحلیل این متن هنری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. البته آثار به بررسی مختصات و مضامین آثار علی‌اکبر صادقی پرداخته‌اند. خردمند (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نماد انسان در آثار منتخب علی‌اکبر صادقی بر پایه روانشناسی تحلیلی یونگ» به بررسی عناصر نمادین نیکی و بدی در درون هنرمند پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که تمام نمادهای موجود در این آثار در کنار یکدیگر جمع شده‌اند تا نشان دهند انسان و دنیایی که او در آن زندگی می‌کند، مهم‌ترین دغدغه هنرمند است. با این تفاسیر، در این پژوهش به مقوله رابطه ساختار و معنا پرداخته نشده لذا پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی این مسئله پرداخته است.

## نتیجه‌گیری

در آثار علی‌اکبر صادقی همه‌چیز به سادگی بیان شده و ابهامی در اثر نیست ولی با خوانش پساساختارگرایانه در معنا متوجه می‌شویم حتی عنوان اثر می‌تواند با متن ارتباط معنایی نداشته باشد. معنا می‌تواند با توجه به نشانه‌های

دیگر متن بازآفریده شود. درون نظام نشانه‌ای هر اثر، در واقع نشانه‌ها فرم‌های اثر در نبرد هستند (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۶۰). دیگر نکته اینکه، توجه به جهان بیرون متن مخاطب را دچار ابهام می‌کند. دریدا می‌گوید نشانه تنها زمانی کارکرد دارد که غیابی را بازنمایی کند. بر طبق روند بررسی این مقاله، آثار علی‌اکبر صادقی، عناصر اساطیری دال‌هایی هستند که می‌توانند بر بی‌نهایت دال دلالت کنند، بدون اینکه مدلول ایستایی وجود داشته باشد. از تقابل‌های دوگانه‌ای که در این آثار واژگون می‌شود، تقابل درون و بیرون است و به مدد این واژگونی، فرم ایرانی، خودنگاره‌ها به‌همراه عناصر معاصر و گاهی دیدگاه غربی به‌گونه‌ای است که نه درون و نه بیرون و هم درون و هم بیرون را نشان می‌دهند. اهمیت آرایه‌های اثر به‌گونه‌ای است که فرهنگ ایرانی، اساطیری، آرایه‌های هنری می‌توانند هم مرکز متن باشد و هم در حاشیه آن قرار گیرد؛ زیرا مرزهایی یک اثر مشخص نیست که در آثار کاملاً مشاهده می‌شود. بینامتنیت بر اهمیت تأثیر فرم‌ها در نقاشی‌ها بر هم خودنگاره‌ها، نگاه اساطیری، افسانه‌ای و دینی مفهوم آن‌هاست؛ این متن با سایر متون و نظام‌های دیگر و فضاهای فراکادری نیز در ارتباط است. اهمیت به مسائلی چون تقابل خیر و شر، نیکی و پلیدی، نور و تاریکی، همچنین جلوه‌هایی از نگارگری، نقاشی‌های سبک قاجار و نقاشی قهوه‌خانه‌ای است. رابطه ساختار و معنا در این آثار را این‌طور می‌توان بیان کرد که تمامی نظام منسجم و ساختمند اثر دچار تعلیق است. بازی بی‌پایان دال‌ها به‌نحوی انسجام‌گریز، خوانشی نهایی از متن را ناممکن می‌کند.

#### منابع و مآخذ:

- بشر، مرجان؛ اردلانی، حسین. (۱۴۰۲). «خوانش اصالت وجود در آثار اگون شیله با تمرکز بر اندیشه مارتین هایدگر». مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۸(۱): ۷۲-۸۷.
- تاری ابوذر، سمانه؛ شریف‌زاده، محمدرضا و اکوان، محمد. (۱۴۰۱). «بررسی و تحلیل نظریه پایان نقاشی در اندیشه آرتور دانتو و ادامه نقاشی در آثار گرهارد ریشتر». مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۷(۱): ۱۲۹-۱۳۹.
- جامعی، نوید؛ شریف‌زاده، محمدرضا؛ مختاباد امرئی، سید مصطفی و عادل، شهاب‌الدین. (۱۴۰۰). «پژوهشی در نقاشی‌های هنرمندان زن دهه نود ایران به میانجی مفهوم مازاد معنا در نظم نشانه‌ای ژولیا کریستوا». مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۶(۱): ۹۰-۱۰۴.
- رایگانی، ابراهیم؛ ویسی، مهسا و همتی ازندریانی، اسماعیل. (۱۴۰۲). «بررسی نگاره انسان لمیده بر تخت و متکی به بالش در هنر دوران تاریخی ایران». مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۸(۱): ۲۸-۴۲.
- شمیلی، فرنوش؛ مطلععی، لعیا. (۱۴۰۲). «آثار تصویرگران کتاب کودک دهه ۴۰ در ایران براساس قوانین و اصول ادراک دیداری (مطالعه موردی: آثار تصویرگری مثقالی و زرین کلک)». مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۸(۱): ۱۳۳-۱۱۷.
- طاهری، محبوبه؛ افضل طوسی، عفت‌السادات. (۱۴۰۲). «تأملی پدیدارشناسانه بر تجربه زیباشناختی در هنر زیست‌محیطی معاصر (مطالعه موردی: پروژه آب و هوا)». مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۸(۱): ۱۴۶-۱۶۰.
- عابدینی، احمد. (۱۴۰۲). «فرآیند استخراج شاخصه‌های فرهنگی و عناصر طراحی مرتبط در محصولات سنتی ایرانی». مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۸(۱): ۸۸-۱۰۰.

فرازمند، فرناز؛ نصری، امیر، شریفزاده، محمدرضا. (۱۴۰۲). «تأثیر بنیان‌های نظریه هنر قرون وسطا بر نظریه هنر داوینچی با رویکرد آراء امبرتو اکو». مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۵۷۵-۵۹۲.

محمدی، زهرا؛ سمائی، فرشید؛ صناعتی، مرضیه و رضوی، محمدرضا. (۱۴۰۲). «استعاره‌های مفهومی در حوزه عرفان و هنر با تأکید بر ترکیبات گروه اسمی و عناصر نمادین». مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۷۰۶-۷۲۷.

مسعودی، زینب؛ زارعزاده، فهیمه. (۱۴۰۲). «مطالعه‌ای تطبیقی بر نظریات حکمای اشراقی در باب عنصر بصری رنگ»، مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۸(۱)، ۱۳۴-۱۴۵.

هاشمی، سید محمد؛ خواجه‌ایم، احمد؛ تسنیمی، علی و جمشیدی، زهرا. (۱۴۰۲). «تحلیل آسیب‌شناختی کتاب‌شناسی‌های توصیفی-تحلیلی حوزه اسطوره در ادبیات و هنر». مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۷۵۷-۷۷۱.

Diba, L. S. (۲۰۰۶). Making History: A Monumental Battle Painting of the Perso-Russian Wars. *Artibus Asiae*, ۶۶(۲), ۹۷-۱۱۰.

Fehevvari, G. (۲۰۰۰). The art of the Islamic world in the Tareq Rajab museum, IB Tauvis & co. Ltd. London.

Grabar, O. (۲۰۰۱). Reflections on Qajar art and its significance. *Iranian studies*, ۳۴(۱-۴), ۱۸۳-۱۸۶.

Koosha, K. (۲۰۰۱). The Migration of Persian Artists to India in the Safavid Period. *Tavoos Art Quarterly*, Vol ۸: ۱-۱۷.